

پژش روزنامه‌ها

گزارش جنگی که هست و جنگی که انکار می‌شود



روزنامه کیهان در شماره دیروز خود با اشاره به برخی تلاش‌های خزنده برای انکار جنگ ترکیبی دشمن، نوشت: جنگ، همچنان ادامه دارد، نبردی که به «جنگ ۱۲ روزه» معروف شد، اما ۱۲ روزه نبود. جنگ، قبل از آن ۱۲ روز هم بود و پس از آن هم ادامه دارد. میدان و مختصات نبرد، دائماً جابه‌جا می‌شود، اما تا خیانت و شرارت مستکبران هست، جنگ متوقف نمی‌شود، مگر هنگامی که با مواجهه قدرتمندانه رو به رو شوند و هراس در دل‌شان بیفتد، مانند کاری که موشک‌های ایرانی و یعنی کردند و دشمن را به فرستادن واسطه و درخواست آتش‌بس واداشتند. برعکس، در هر بُعد از این جنگ ترکیبی که غفلت یا کوتاهی کرده‌ام، دشمن همان جا معبر زد و جبهه گشود.

نویسنده اضافه کرده است: کشور ما، سال‌ها در گیر جنگ بود اما این واقعیت، انکار یا پنهان می‌شد. حالا که واقعیت آشکار شده، باز هم محافلی سعی می‌کنند واقعیت جنگ ترکیبی را کتمان کنند؛ جنگ را صرفاً بُعد نظامی فرو بیاکنند و کشور را به تنظیمات خواب آور و مطلوب خود (قبل از علنی‌شدن جنگ) برگردانند. همان دورانی که ادعای می‌کردند سایه جنگ را با مذاکره از سر کشور دور می‌کنند، دولت اولیاماداش را پشت مرزهای ما تسلیح می‌کرد و پیش می‌راند. جنگ نظامی، برقرار باشد یا نباشد، مدیران در هر حوزه‌ای(و دولت در کلان‌ماجره به عنوان ستاد اجرایی) باید شبانه‌روز برای تدارک لوازم پیشرفت کشور تدبیر کنند و ضمانت نفوذ و اخلاص در روند پیشرفت را ببینند، نه اینکه مثلاً لایحه‌ای با قید دوفوریت، تصویب و تقدیم مجلس شود و سپس، به صرف جنجال مافیایی هوچی، پس گرفته شود و همین استرداد را دستاورد جا بزنند! این، بخشی از لایه پنهان جنگ، از مجرای نفوذ در حلقه اطرافیان و مشاوران تصمیم‌ساز است که موجب ابتذال و انحطاط «مر متعالی سیاست» می‌شود. دولت و دیگر دستگاه‌ها باید مراقب این آسیب باشند.

فارسی را در عمل هم پاس بدارید

روزنامه خراسان در یادداشتی متفاوت، با اشاره به سفر رئیس‌جمهور به پاکستان و ادای احترام وی به محمد اقبال لاهوری، شاعر پارسی‌گوی پاکستان نوشت: این برنامه‌ریزی در سفری دیپلماتیک، آن‌هم پس از دفاع جانانه پاکستان از ایران در جنگ ۱۲ روزه با رژیم‌صهیونیستی و امریکا، حامل پیامی روشن برای ایرانیان و همه ملت‌هایی است که مانند پاکستان روزگاری زبان‌شان فارسی بوده یا هنوز با این زبان سخن می‌گویند. پزشک‌یان با این نوع چنین برنامه‌های سفرش، غیرمستقیم این پیام را صادر کرد که زبان و فرهنگ فارسی فقط یک میراث ادبی نیست، بلکه پلی مستحکم برای پیوند ملت‌هاست. نویسنده در ادامه با اشاره به خطراتی که زبان فارسی را در حوزه تمدنی «ایران فرهنگی» تهدید می‌کند، خطاب به رئیس‌جمهور نوشت: باید پی تعارف گفت که امروز خطر فرسایش ریشه‌های فرهنگی، بیخ‌کوش ایران بزرگ فرهنگی قرار گرفته‌است. برای جلوگیری از این فرسایش، باید به سیاست‌گذاری‌های بلندمدت و منطقه‌ای فکر کرد؛ سیاست‌هایی که زبان فارسی را نه‌فقط در کتابخانه‌ها و موزه‌ها بلکه در زندگی روزمره، رسانه‌ها، هنر، آموزش و تعاملات رسمی زنده نگه دارد. اقتصاد فرهنگی و ادبی، همچنان بخش مغفول‌مانده تمدن مشترک ما در ایران بزرگ فرهنگی است. ترجمه و نشر آثار منطقه‌ای، تولید فیلم‌ها و مستندهای فرهنگی، جشنواره‌های مشترک، تقویت گردشگری ادبی و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال فارسی‌زبان، البته فراغ از نگاه‌های جناحی، فامیلی و توجه به نورچشمی‌های غیرمتخصص، هنگی می‌توانند به تعامل فرهنگی و توسعه پایدار کمک کنند. باید همه ما دقت کنیم که اینها زمانی مؤثر خواهند بود که اسناد همکاری منطقه‌ای تدوین شوند؛ سندهایی که پروژه‌های مشترک فرهنگی را حمایت، تبادلات علمی را تسهیل و آموزش زبان فارسی را استانداردسازی کنند. اگر زبان فارسی در گستره بزرگ ایران فرهنگی فقط در حصار موزه‌ها و کتابخانه‌ها باقی بماند، از نقش واقعی‌اش در ساختن آینده منطقه محروم خواهیم شد.

آژانس و لزوم بازتنظیم همکاری‌ها

روزنامه جام‌جم در یادداشتی با اشاره به اینکه در روزهای آغازین دهه هشتی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران سفر می‌کنند و به نوعی دور جدیدی از مناسبات میان ایران و آژانس شکل می‌گیرد، نوشت: این دوره جدید باید به‌شکلی تنظیم شود که منافع ملی و حقوق اساسی ملت ایران در آن لحاظ گردد. پیش از سفر آنها به ایران و آغاز دور جدید تعاملات، ابتدا باید از آژانس خواسته‌شود اقدامات خصصانه اخیر به‌ویژه از سوی ایالات متحده امریکا علیه مراکز هسته‌ای کشورمان را محکوم کند.

در گام بعد، ضروری است مسئولان ما این مطالبه در اجرای یکسان مقررات آژانس برای همه کشورهای عضو را پیش ببرند. در این عرصه مسئله بنیادین این است که چرا فقط ایران باید تحت بازرسی‌های یک‌طرفه قرار گیرد؟ چرا دانشمندان و بازرسان ایرانی امکان نظارت و بازدید از تأسیسات هسته‌ای دیگر کشورها را ندارند؟ چرا با ایران برخوردی شدید، فشرده و چندلایه صورت می‌گیرد، در حالی که در مورد دیگر کشورها هیچ نظارتی وجود ندارد یا در سطحی بسیار محدود انجام می‌شود؟ این دوگانگی در رفتار آژانس با اعضایی معناست و نمی‌تواند مبنای رابطه‌ای اصولی باشد. همچنین گزارش‌های فنی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران نباید با تفاسیر دلخواه و موردپسند رژیم‌صهیونیستی با قدرت‌های غربی تغییر کنند. متأسفانه تجربه گذشته نشان داده آژانس در این زمینه فاقد استقلال لازم در گزارش‌دهی است و تصمیم‌گیری‌ها در آن به قدرت سیاسی است. عدماستقلال آژانس به معنای آن است که کارشناسان و بازرسان آن بدون مشاهده و بررسی دقیق و صرفاً بر اساس اطلاعاتی جهت‌دار اقدام به قضاوت می‌کنند.

نقشه‌راه مشترک ایران وپاکستان

روزنامه ایران در یادداشتی به بهانه سفر دو روزه رئیس‌جمهور به پاکستان نوشت: روابط ایران و پاکستان از ژانویه ۲۰۲۴ زمانی که درگیر رویارویی مستقیم نظامی شدند، مسیری پرفراز و نشیب اما رو به تحول را طی کرده است. نقطه عطف این تغییر، در بحبوحه جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل آشکار شد؛ جایی که پاکستان بی‌هیچ تردید در صف اول حامیان دیپلماتیک تهران ایستاد و پیامی روشن به منطقه و جهان فرستاد مبنی بر اینکه معادلات گذشته دیگر کافی نیست و باید به سمت پیوندهای تازه حرکت کرد. سفر رسمی مسعود یزشکیان، رئیس‌جمهور ایران به اسلام‌آباد که اولین دیدار رسمی او از پاکستان نیز به شمار می‌رود، با اعلام هدف‌هایی چون گسترش مبادلات تجاری و تقویت امنیت مرزها نشان می‌دهد دو کشور به دنبال طراحی نقشه‌ای مشترک برای آینده هستند. چنین تحولی، بی‌تردید پیامدهای ژرفی برای امنیت و اقتصاد منطقه دارد، اما پاکستان تنها بازیگری نیست که از استمرار ثبات در ایران سود می‌برد. چین به‌عنوان شریک راهبردی تهران به خوبی آگاه‌است که بروز ناآمنی در محیط پیرامونی ایران، ابتکار «کمربند و جاده» را با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد کرد و مسیرهای دسترسی پکن به غرب آسیا، آفریقا و اروپا را محدود می‌سازد. از این منظر، کنش‌وام امنیت منطقه‌ای حلقه‌ای کلیدی در زنجیره ثبات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی است که هم چین و هم پاکستان بر پایه آن آینده خود را ترسیم می‌کنند.



روزنامه جوان | شماره ۶۳۷۰ | سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ | ۱۱ صفر ۱۴۴۷

گزارش

فاخره سادات یوسفی

اراده مردمی یمن چگونه هیمنه امریکا را فروریخت

«دریای سرخ» درس تحول در بازدارندگی



عملیات مؤثر و راهبردی ار تنش یمن علیه نیروهای امریکا و منافع رژیم‌صهیونیستی در دریای سرخ، تصویر دقیقی از شکست‌پذیر بودن هیمنه و امپراتوری دریایی ایالات متحده را به نمایش گذاشت و نشان داد قدرت اراده یک نیرو و ملت به ظاهر ضعیف از حیث جنگ‌افزارهای دفاعی و نظامی چگونه می‌تواند بر یک قدرت مسلح به انواع تجهیزات پیشرفته دفاعی غلبه و سطح قابل قبولی از بازدارندگی را ایجاد کند.

■ ■ ■

از زمانی که یمن عملیات ارمانی خود را در چارچوب دفاع از فلسطین به معادلات جنگ در غزه اضافه کرد، هم توانست تعاریف جدیدی از مفهوم بازدارندگی در روابط بین‌الملل ارائه دهد و هم باور توانایی ضربه به مؤلفه‌های مهم قدرت امریکا را احیا کند. یمن نشان داد متغیر «اراده» به همراهی استفاده مناسب از توانمندی‌های نظامی، چگونه می‌تواند موازنه قدرت را در مقابل بزرگ‌ترین قدرت جهانی به نفع خود جابه‌جا کند. براسط ملتپ و نامطمئن امریکا در دریای سرخ در کنار شکست ادعای نگهدانی از رژیم‌صهیونیستی و اقتصاد جهانی و همچنین سردرگمی امریکا برای تعیین استراتژی در مواجهه با یمن، بیانگر کارآمدی و اثربخشی حملات راهبردی یمن به منافع امریکا و رژیم‌صهیونیستی است.

■ **ابزار با اراده غیرمتعارف اثرگذار است**
اراده یکی از اجزای غیرنظامی قدرت ملی است که بخش عظیمی از مفهوم بازدارندگی را پوشش می‌دهد. در واقع، در کنار توانمندی نظامی، اراده

گفت‌وگو

تحلیلگر ارشد مسائل منطقه:

اسرائیل هم به قدرت موشکی ایران اذعان کرد

این است که برای اینکه

ضربه اولیه را مهار کنند، هیچ چیزی نمی‌گویند یا می‌گویند هیچ اتفاقی نیفتاده یا سکوت می‌کنند اما چسور می‌دانند که یک خبر را نمی‌شود برای همیشه پنهان نگه داشت، بعد از مدتی به صورت قطره چکانی شروع می‌کنند اطلاعات را منتشر کردن. الان در

این جنگ هم همین‌طور است. اول می‌گفتند ایران دارد مناطق مسکونی را می‌زند، ولی حالا معلوم شده اصلاً این‌طور نبوده است. شنیدیم می‌گفتند اکثر موشک‌ها را در مسیر می‌زیم، ولی وقتی روز می‌شد و صحنه خرابی‌ها را می‌دیدیم، دیگر نمی‌شد سانسورش کرد، پس می‌آمدند موضوع را می‌بردند روی یک فاز دیگر. مثلاً نانیاهو می‌گفت ما یک ارتش اخلاقی هستیم، ما افراد نظامی و دانشمندی هسته‌ای‌شان را می‌زیم، ولی آنها مردم عادی ما را می‌زنند! در حالی‌که برعکس بود و بسیاری از شهدای ایرانی، غیرنظامی بودند. برعکس، این ایران بود که حساب‌شده می‌زد.

■ **اعتراف به قدرت موشکی ایران**
این تحلیلگر مسائل منطقه افزود: الان خود اسرائیلی‌ها دارند اعتراف می‌کنند- البته در قالب تحلیل- که ما می‌دانستیم ایران یک قدرت موشکی است، ولی در این جنگ فهمیدیم که موشک‌های ایران «سریع‌تر، دقیق‌تر و ویرانگرتر» از چیزی بود که تصور می‌کنند اسرائیل می‌تواند. یعنی نیروی هوافضای ما موفق شده بود تا حد زیادی اطلاعات مربوط به توانمندی‌هایش را سری نگه دارد. در این جنگ، سیستم پدافند چندلایه‌شان عملاً از هم پاشید. موشک‌های بالستیک وقتی بالا می‌روند و از بالای جو سرازیر می‌شوند، به قدری سرعت این کلاهک زیاد است که هیچ سامانه‌ای نمی‌تواند آن را بزند. دقت این موشک‌های ایرانی باعث شگفتی دنیا شد، حتی پوتین گفت، ما قدرت موشکی و پهپادی ایران را می‌شناختیم، ولی دنیا باور نمی‌کرد، الان ببینید چه کرده‌اند! حالا شروع کرده‌اند به اعتراف، چون می‌دانند نمی‌شود برای همیشه چیزی را مخفی نگه داشت. الان دارند می‌گویند که موشک‌های ایران فوق‌العاده دقیق بود. با توجه به اینکه مراکز

پاکستان

سرویس سیاسی ۶۰۸۵۲۳۰

■ **یمن» بازیگر فرامنطقه‌ای که امریکا را در مانده کرده‌است**

اگر چه عملیات نظامی یمن تنها به منطقه و دریای سرخ و آب‌های پیرامونش محدود شده، اما موقعیت استراتژیک و دامنه گسترده اثرگذاری آن در اقتصاد و امنیت متحدها جهانی رژیم‌صهیونیستی، این کشور را در رده بازیگران فرامنطقه‌ای و رقیب جدی امریکا در منطقه قرار داده است. حملات یمن به مواضع رژیم‌صهیونیستی و امریکا چه در سرزمین‌های اشغالی و چه در دریای سرخ، خسارات وافر ی را به آنها وارد کرده است. به عنوان نمونه از شروع حملات، کاتال سونز، شاهد کاهش ۵۰درصدی ترافیک بوده و بندر ایلات اسرائیل ۸۵درصد از فعالیت‌های تجاری خود را متوقف کرده است، همچنین طولانی شدن زمان حمل و نقل- با افزایش ۱۰ تا ۴۰روزه سفر بین آسیا و اروپا- زنجیره‌های تأمین جهانی را مختل کرده است. در تعیین میزان خسارت باید گفت که اروپا حدود ۶۰درصد از نیازهای انرژی خود و امریکانیز ۱۰ درصد را از طریق باب‌المندب دریافت می‌کند، همچنین حدود ۱۲درصد از تجارت دریایی جهانی- از جمله ۴۰درصد از ترافیک کشتی‌های کانتینری- هر ساله از این کانال عبور می‌کند.

در حالی غرب دچار چنین خسارت‌های عمده‌ای شده که مقامات یمن تنها با ترکیب سلاح‌های کم‌هزینه و ناواری تاکتیکی، مدل سنتی برتری دریایی امریکا را به چالش کشیده است و خطر جدی برای منافع آن محسوب می‌شود. ناتوانی امریکا در دفع حملات یمن، این کشور را مجبور کرد اتلافی از کشورهای جهان را برای رویارویی با یمن تشکیل دهد که به جز انگلیس، تنها کشورهای محدودی چون دانمارک، فنلاند، یونان، هلند و نروژ به این پیوستند. ایالات‌متحده و متحدانش با یک کمپین چندجانبه شامل حملات هوایی، اقدامات قانونی و دیپلماسی پشت پرده به مقابله با یمن برخاستند، به همین منظور، امریکا ناوگان دریایی خود را با حضور ناوهای پیشرفته در دریای سرخ و محیط پیرامونی یمن تقویت کرد تا تهاجم‌های گسترده‌تر و حملات کوبنده‌تری را در یمن انجام دهد. به گفته منابع یمنی، امریکا تنها در سال گذشته میلادی، حدود ۹۳۱حمله به خاک یمن داشته که از بمب‌های قدرتمند B2 نیز استفاده کرده، اما در عمل، هیچ یک از این اقدامات خلی در عزم یمنی‌ها ایجاد نکرده و حملات نظامی امریکا، انگلیس و اسرائیل هم نتوانسته است مانع عملیات راهبردی یمنی‌ها در دریای سرخ شود، در نتیجه روز به روز مسیر حملات موفقیت‌آمیز بیشتری می‌شود. تا‌کا‌رادی و عدم‌بازدارندگی حملات کوبنده به یمن، امریکا را چنان به اوج درمادگی رساند که متعاقب آن در ششم به ۲۰۲۵، ترامپ اعلام کرد اگر یمنی‌ها حملات به کشتی‌های امریکایی را متوقف کنند، در مقابل نیز امریکا حملات هوایی خود را به یمن پایان خواهد داد.

شکستن و تخریب اراده دشمن برای عملی کردن تهدیداتش، تنها با نمایش‌های رزمی و وجود می‌اورد. آنچه یمن را به این نقطه از تاریخ رسانده، انگیزه و قدرت ذهنی بی‌مانند آنها برای مقابله با دشمن با اتکا بر ظرفیت‌های دفاعی و نظامی است. در اصل، اراده یمن در رویارویی با دشمنان قدرتمند، به اعتقاد قبلی آنها به مقدرات و نصرت الهی بازمی‌گردد و فاصله زیادی با مفهوم رایج و متعارف اراده در روابط بین‌الملل دارد. در واقع، همان گفتمان باور به قدرت خدا که انقلاب بر پایه آن تأسیس شد، امروز در میدان‌های مختلفی چون جنگ یمن علیه امریکا و رژیم‌صهیونیستی می‌شود. امریکا با انعکاس وابستگی به عنوان رویکرد قطعی فعال و مبتنی بر عزت‌ایران در مواجهه با دشمنان و امریکا تثبیت‌شود. این موضوع، جذا از انفال باید دارای بن‌مایه تهاجمی و خلاقانه در برابر ماجراجویی‌ها و تهدیدات دیپلماتیک غرب باشد.

در حاضر حاضر که امریکا به جای جنگ، مذاکره با ایران را برای کم کردن هزینه‌هایش اختیار کرده، به‌سه‌کارگیری اِین رویکرد در کنار بازسازی قوای نظامی، می‌تواند مفهوم بازدارندگی را در برابر آنها ترمیم و تقویت کند و مانع هر گونه خام‌دیشی در مورد جنگ دوباره با ایران شود. هر نوع عقب‌نشینی از مواضع اعلامی جمهوری اسرائیلی مانند عدم تصمیم ایران به نابودی اسرائیل یا تعارض با تصمیمات حاکمیت مانند تعلیق همسکاری با آژانس که ورود تیم جدید آژانس را نافی کرده، نمای شکننده اراده کشور را به تصویر می‌کشد و در نتیجه اراده امریکا را برای آغاز جنگی دوباره با ایران تقویت می‌کند.

پاکستان

حضور در منطقه ممنوعه

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های الگوی علمی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها، ترکیب دین و دانش در ساختار و فلسفه تولید علم است. این پیوند، محصولی متفاوت از الگوهای متداول جهانی ارائه می‌دهد؛ الگویی که ریشه در معارف اسلامی و تجربه تمدنی جهان اسلام دارد و برخلاف تصور رایج در غرب، نه مانع علم بلکه محرک و معنابخش آن است.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۴۳ در تبیین این مهم نوشته است: در منظومه اسلام، «طلب علم» یک پریشانه است، همان‌گونه که احکام و اخلاق واجب‌اند، علم‌آموزی نیز وظیفه‌ای دینی است. این نگاه، جریان علمی را در جمهوری اسلامی، هم از نظر غایت و جهت‌دهی و هم از نظر محتوا و برنامه‌ریزی، واجد ساختار معنوی می‌کند.

علمی که در مرزهای دانش حرکت می‌کند، درون‌زا و متصل به هدف‌های انسانی و الهی است و در عین‌حال با جهان بیرونی در تبادل است اما همواره با رعایت مرزهای اخلاقی و ارزشی.

ترکیب علم و دین، آن‌گونه که در جمهوری اسلامی ایران متجلی شده، برای نظام سلطه جهانی تهدیدی جدی به شمار می‌رود. دلپیش ساده اما عمیق است: چون علم در ذات خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت تحت مپار اخلاقی دینی و عقلانیت توحیدی قرار گیرد، دیگر در خدمت استکبار نخواهد بود.

اسلام، با آن تفسیری که از قرآن می‌گیرد، هرگز اجازه نمی‌دهد که علم، بدون اخلاق، افسار‌سیخته و در خدمت ظلم به کار گرفته شود. دین، علم‌آموزی را عبادت می‌داند؛ ابزار خدمت به انسانیت، نه ابزار استعلا و استکبار. از این‌رو در منطق دشمنان، با هر دینی که با پیشرفت و علم مخالف باشد مشکلی ندارد، بلکه گاه ترویجش هم می‌کنند، چون خطری ندارد، اما با دینی که علم‌ساز است، جهت‌دهنده علم است و علم را در خدمت تعالی بشریت قرار می‌دهد، دشمنی می‌ورزند.

همین است که وقتی ایران با مدل علمی مبتنی بر دین، با جهت‌گیری اخلاقی و مردمی، دستاوردهایی تولید می‌کند، بلافاصله دشمن فعال می‌شود: این فناوری‌ها، ممنوعه‌اند! هسته‌ای، کوانتوم، هوش مصنوعی، نانو و حتی فناوری‌های کم و بیش ساده، «منطقه ممنوعه» اعلام می‌شوند، چون نگران‌اند این علم، در خدمت ملت‌های مستقل و در مسیر بیداری جهان اسلام قرار گیرد، به همین خاطر، آرا پارک علمی برقرار کرده‌اند. از آن‌سو، همین قدرت‌ها، نیگیان و مغزهای جهان را جذب می‌کنند، نه‌فقط برای استفاده، بلکه برای کنترل، چون اگر این دانشمندان در کشورهای خودشان، با یک الگوی دینی مثل جمهوری اسلامی رشد کنند، آنگاه دیگر نه‌فقط قدرت تولید خواهند کرد، بلکه با فلسفه‌ای دیگر به خدمت انسانیت درمی‌آیند؛ فلسفه‌ای که در آن زکات علم، نشر آن است، نه احتکار و انحصار.

در حالی که غرب علم را بدل به ابزار سلطه کرده، جمهوری اسلامی، علم را مقدمه عبودیت و شگوفایی می‌داند. پیشرفت برای یک مسلمان، تازه آغاز سیر در مسیر خلقت است: خودشناسی، خدانشناسی، انسان‌شناسی. در این منطق، علم حرمتی دارد، چون در خدمت کمال انسان است.

گزیده‌خبر

معاون وزیر کشور

با اعلام برگزاری انتخابات تمام الکترونیک:

انتخابات شوراها در تهران تناسبی بر گزار می‌شود

معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات با تأکید بر عزم وزارت کشور برای برگزاری کامل انتخابات اعلام کرد: مصمم هستیم انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۴۰۵ را به صورت تمام‌الکترونیک و در هر شرایطی برگزار کنیم.

به گزارش ایرنا، علی‌زینی‌وند روز گذشته در نشست با استاندار تهران و فرمانداران شهرستان‌های این استان افزود: این تصمیم در بالاترین سطوح کشور نهایی شده و جلسات منظم با مسئولان عالی‌رتبه شامل رئیس مجلس، وزیر دفاع، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر کشور و اعضای شورای نگهبان نیز بر گزار شده‌است.

زینی‌وند با اشاره به وضعیت پایدار منطقه و احتمال وقوع بحران اظهار کرد: اگر اتفاقی بیفتد یا زیرساخت‌ها آسیب ببینند، با هم انتخابات را بر گزار می‌کنیم، حتی اگر مجبور شویم مثل دهه ۶۰، با صندوق‌های دستی رای مردم را بگیریم. وی ادامه داد: همه باید برای برگزاری این انتخابات آمادگی داشته باشند.



معاون سیاسی وزیر کشور در ادامه با تأکید بر اهمیت گفتمان‌سازی روز آمد افزود: نسل جوان امروز با گفتمان‌های کلیشه‌ای و غیرواقعی ارتباط برقرار نمی‌کند. فرمانداران باید در سخن، تحلیل و موضع‌گیری، دقیق، شفاف و واقع‌گرایانه عمل کنند. انتظاری که از مسئولان سیاسی وجود دارد، این است که نه‌فقط مدیر اجرایی، بلکه صاحب تحلیل سیاسی نیز باشند. زینی‌وند اضافه کرد: بانوایی اکنون در مسئولیت‌های مهم منصوب شده‌اند، اگر در گذشته به ظرفیت‌هایشان در سطوح بالای تصمیم‌گیری توجه بیشتری می‌شد، امروز در ساختار مدیریتی کشور شاهد تحولات بیشتری بودیم.

وی درباره شیوه جدید انتخابات شورای شهر تهران نیز توضیح داد: در شهر تهران، انتخابات به شیوه تناسبی بر گزار خواهد شد.

وی گفت: این اتفاق مهمی است که می‌تواند موجب انگیزه‌سازی و افزایش مشارکت احزاب شود. در این مدل، هر جبهه سیاسی می‌تواند یک فهرست ارائه دهد و هر حزب فقط در قالب یک جبهه و در یک فهرست حضور داشته باشد. افراد نیز فقط می‌توانند در یک فهرست قرار بگیرند. زینی‌وند اظهار کرد: مردم می‌توانند به یک فهرست کامل (۲۱ نفر) رأی دهند، ولی اگر به‌صورت ناقص رأی دهند (مثلاً فقط به سه نفر)، آن را افرادی محسوب می‌شود و مشمول قاعده تناسبی نمی‌شود. معاون سیاسی وزیر کشور افزود: این شیوه، باعث می‌شود وزن واقعی احزاب و جبهه‌ها در شورا مشخص شود که آیین‌نامه اجرایی این مدل، اصلاح و شفاف‌سازی شده و برای آموزش دقیق‌تر نیز جلسات کارگاهی بر گزار خواهد شد.

وی ادامه داد: ما داریم با هماهنگی استاندار تهران، یک کارگاه آموزشی یک‌روزه ویژه مدیران انتخاباتی استان تهران و شهر تهران بر گزار کنیم تا این مدل جدید به‌طور کامل برای همکاران تبیین شود.

زینی‌وند گفت: با توجه به یختمی مدیریتی موجود در استان تهران و تیم حرفه‌ای استانداری، مطمئناً دارم این دوره از انتخابات با موفقیت بر گزار خواهد شد، همچنین تجارب ارزشمندی که از این دوره به دست می‌آید، می‌تواند به‌عنوان یک ذخیره مدیریتی در وزارت کشور ثبت و برای آینده کشور مورد استفاده قرار گیرد.